پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده تاریخ

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ

موضوع

اوضاع اجتماعی،فرهنگی و هنری ایران

در عصر جلایریان

استاد راهنما

جناب آقای دکتر الهیار خلعتبری

استاد مشاور

جناب آقای دکتر وهاب ولی

نگارش

محمد مرادی فتیدهی

آذر ماه ۱۳۷۶

فهرست مندرجات

اوضاع اجتماعی، فرهنگی و هنری ایران درعصر جلایریان

موضوع — صفحه

مقدمه ۲

ارزیابی منابع ۴

فصل اول: وقایع سیاسی ایران درعصر جلایریان ۱۵

بخش اول: ایل جلایر، آغاز فعالیت و ورود به ایران ۱۶

امرای برجسته نظامی تومِ جلایر ۱۷

ورود دسته‌ای از جلایریان به ایران و اجداد سلاطین جلایری ۱۹

بخش دوم: شیخ حسن بزرگ و تأسیس سلسلهٔ جلایری ۲۳

خروج شیخ حسن بزرگ ۲۷

بخش سوم: سلطان اویس و دورهٔ اقتدار جلایریان ۳۲

جلوس اویس ۳۲

سلطان اویس و مظفریان ۳۳

آغاز روابط میان جلایریان و ترکمانان قراقویونلو ۳۹

وقایع پایانی حکومت سلطان اویس ومرگ او ۴۱

جلوس سلطان حسین و برخورد جلایریان و ترکمانان ۴۲

بخش چهارم: دورهٔ زمامداری سلطان احمد، آغاز سقوط جلایریان ۴۷

جلایریان و ترکمانان در دوره زمامداری سلطان احمد ۴۷

وقایع بازگشت سلطان احمد پس از فرارو ۵۶

نقش افزون طلبی سلطان احمد دراز دست دادن بغداد ۵۷

پایان فرمانروایی جلایریان بر عراق عرب ۵۸

سلاطین متأخّرجلایریان ۵۹

فصل دوم: اوضاع اجتماعی

بخش اول: دربار، سلاطین، خواتین ۶۲

دستگاه سلطنت و دربار ۶۲

خواتین ۶۸

بخش دوم: دیوان و دیوان سالاران ۷۳

دیوان وزارت ۷۴

عایدات و مخارج دیوان وزارت ۷۷

دیوان استیفا ۸۲

دیوان قضا ۸۴

دیوان انشاء ۸۶

نظام وقف در عصر جلایری ۸۸

بخش سوم: وضعیت شهرها و شهرنشینان ۹۰

آذربایجان ۹۳

۱- تبریز ۹۶

۲- سایر شهرهای ولایت آذربایجان ۹۹

عراق عجم ۱۰۱

عراق عرب ۱۰۴

۱- بغداد: الف - قسمت شرقی ب - قسمت غربی ۱۰۵

۲- بصره ۱۰۹

۳- کوفه ۱۱۰

۴- واسط ۱۱۲

۵- نجف ۱۱۲

۶- موصل ۱۱۲

۷- سامرا ۱۱۳
۸- تکریت ۱۱۳
۹- حلّه ۱۱۳
بخش چهارم: روستاها وروستائیان ۱۱۵
روستاها ومالکیت ارضی ۱۱۹
بخش پنجم: راهها وبازرگانی ۱۲۵
راهها و غازان خان ۱۲۶
انشعابات راههای ایران در قرن هشتم ۱۲۷
۱- آذربایجان ۱۲۸
۲- نقش راهها در اقتصاد وبازرگانی آذربایجان ۱۲۹
۳- شعب راهها در عراق عرب ۱۳۰
۴- تجارت عراق عرب ۱۳۲
فصل سوم: ادبیات و هنر ۱۳۴
بخش اول: ادبیات ۱۴۳
۱- شعر وشاعران عصر جلایری ۱۴۳
سلمان ساوجی ۱۴۶
عبید زاکانی ۱۴۹
حافظ ۱۵۱
عصار تبریزی ۱۵۳
مسعود خجندی ۱۵۳
میر کرمانی ۱۵۴
ناصر بخاری ۱۵۴
خواجوی کرمانی ۱۵۵
مطهر کرمانی ۱۵۶

۲- عرفا و حکما ۱۵۸
کمال الدین عبدالرزاق کاشانی ۱۵۹
علاءالدوله سمنانی ۱۵۹
خطیب قزوینی ۱۶۰
قاضی عضدالدین ایجی ۱۶۰
قطب الدین رازی ۱۶۰
شیخ کججی ۱۶۱
۳- نثر ۱۶۲
۴- هزل ۱۶۹
بخش دوم: هنر ۱۷۳
۱- نقاشی و آثار برجسته عصر جلایری ۱۷۳
تأثیر هنر چین در نقاشی ایران و عکس العمل هنرمندان ایرانی
..... ۱۷۴
تأثیر جلایریان در مکتب نقاشی تیموری ۱۸۰
۲- خوشنویسی در عصر جلایری و هنر تذهیب ۱۸۵
تغییرات خط در عصر جلایری ۱۹۰
میرعلی تبریزی ۱۹۱
خواجه عبدالله شکرین قلم ۱۹۲
امیر محمد بدرالدین تبریزی ۱۹۲
شیخ احمد سهروردی ۱۹۳
پیر یحیی جمال صوفی ۱۹۳
صحافی و تجلید ۱۹۴
۳- معماری ۱۹۶
کاروانسرای مرند ۱۹۹

مسجد جامع مرند ۱۹۹
گوی برج (خوی برج) ۲۰۰
گنبد غفاریه ۲۰۰
ارگ علیشاه ۲۰۰
مسجد استاد و شاگرد ۲۰۱
جامع مرجانبه ۲۰۱
بخش سوم: صنایع ظریفه اسلامی ۲۰۳
۱- فلزکاری ۲۰۴
۲- سفال سازی ۲۰۵
۳- چوب بری و منبت کاری ۲۰۸
۴- منسوجات و پارچه بافی ۲۰۹
۵- قالی بافی ۲۱۱
نتیجه گیری ۲۱۴
کتابشناسی ۲۱۷

اوضاع اجتماعی، فرهنگی و هنری ایران

در عصر جلایریان

مقدمه

حملهٔ مغولان به سرزمینهای غرب آسیاکه حدود ۲ قرن استیلای طوایف ترک [1]و مغول را بر این نواحی موجب شد ضربات جبران ناپذیری بر اوضاع اجتماعی،فرهنگی و هنری این مناطق وارد آورد و مسیر پیشرفت علوم،ادبیات،فرهنگ و هنر ایران را برای مدتی به تأخیر و تعویق افکند.اما همچون سایر تهاجمات سنگینی که در طول تاریخ ایران بر این سرزمین وارد آمده بود،این تهاجم نیز نتوانست در برابر اعتلای فرهنگی ایران زمین پرچم غلبه و پیروزی نهایی را به اهتزاز در آورد و در نهایت خود با تمام پیروزیهای نظامی،مغلوب فرهنگ ایران زمین گردید.به وجود این،نمی توان تاثیرات مغولان بر فرهنگ ایران را نادیده گرفت.دههٔ دوم قرن هفتم هجری قمری سالهای آغاز این تهاجم بنیان بر افکن بود.از این رو تأثیر پذیری ایرانیان از این هجوم گسترده اساساً بیشتر در طی قرن هفتم بوده است.یعنی تا زمانی که جنگ و نزاع و خونریزی ادامه داشت.

با پایان برخوردهای نظامی وآرامش یافتن آنها در حدود کناره‌های دریای مدیترانه،روند تأثیر پذیری فرهنگی،هنری و ادبی مغولان از قوم‌مغلوب به تدریج آغاز شد.به همین جهت،آغاز قرن هشتم هجری قمری را باید مرحلهٔ شروع این روند تاریخی دانست.

اماچندی نگذشت که مرگ آخرین ایلخان جوان و مقتدر ایران،یعنی ابوسعید بهادرخان در ۱۳ ربیع الاخر ۷۳۶ خط بطلان بر تمامی این محاسبات فرهنگی کشید،زیرا این لحظه،زمان شروع یک سلسله ازکشمکشها و مبارزات سیاسی و نظامی جدید میان امرای مقتدر و قدرت طلب بود که تلاش میکردند به نوعی کفهٔ ترازوی قدرت سیاسی را به نفع خود سنگین ترگردانند و هر یک از این دسته از امرا و سران قدرتمند سرانجام موفق شدند منطقه‌ای از ایران بزرگ را تحت اختیار خود در آورند و تشکیل حکومتی مستقل دهند.دو منطقهٔ مهم و برجسته از لحاظ سوق الجیشی، تجاری و سیاسی،آذربایجان و عراق عرب بودند که دو شهر مهم تبریز و بغداد در این مناطق قرار

۱- ورود طوایف ترک به مرزهای ایران از جمله خراسان، ماوراءالنهر و سیستان،پیش از این در دورهٔ ساسانیان و پس از آنها در دورهٔ اسلامی انجام شده‌بود.

داشتند،که تبریز پایتخت، ولی ایلخانان از بغداد نیز به عنوان اقامتگاه زمستانی استفاده میکردند. آشوبها و برخوردهای خونین نظامی جهت کسب قدرت سرانجام به نفع آل‌جلایر در این منطقه به پایان رسید و در سال ۷۴۰ه.ق عراق عرب وکمی پس از آن آذربایجان را نیز بدست آنها سپرد.

تمامی منابع جلایریان را مقتدرترین حکومت در ایران در دوره فترت سیاسی پس از سقوط مغول و ظهور تیمور میدانند.اما نگاهی به روند منازعات سیاسی حکومت ۹۴ ساله جلایریان در غرب ایران موجه به میشود که در این رساله تا حدود زیادی به نظریهٔ اقتدار سیاسی جلایریان با دیدهٔ شک و تردید چشم دوخت.در این رساله سعی شده که ضمن نگاهی کوتاه به جریان حوادث سیاسی و نظامی ایل جلایر در غرب ایران،تأثیرگذاری فرهنگی،اجتماعی وهنری آنها بر تاریخ ایران مورد بررسی و امعان نظر قرارگیرد.درباره چگونگی استفاده از منابع و مآخذ نیز در بحث ارزیابی منابع به تفصیل سخن رفته است.

در پایان این مقدمهٔ کوتاه لازم است ازراهنمایی‌های بی‌شائبه استاد محترم و ارجمند جناب آقای دکتر الهیار خلعتبری و نیز از تلاشهای فراوان استاددانشمند جناب آقای دکتروهاب ولی که به اتفاق راهنمایی و مشاورت نگارنده را در نگارش این رساله متقبل‌گردیدند،صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم.امید آنکه این رساله همراه با اجتهادات عموماً ناقص خود مورداستفاده ولو اندک پژوهندگان تاریخ ایران قرارگیرد.

ارزیابی منابع و مآخذ:

بررسی هر دوره از تاریخ ایران،لزوم کاوش و تتبّع در حداقل دو دسته از منابع را ایجاب میکند:

۱.منابع و مآخذ دست اول که در زمان وقوع حوادث و یا کمی پس از آن توسط مورخان درباری و غیر درباری،منشیان زبردست در دو وین سلطنتی و سایر نویسندگان،تألیف گردیده‌اند.

۲.منابع فرعی که باکمک گرفتن از منابع اصلی نوشته شده‌اند و شامل نظریات و اجتهادات مؤلف در موارد بخصوص می‌باشند.این منابع خود به چند دسته تقسیم میشوند:

۱ـمنابع محلّی

۲ـ منابع خراجی و مالیاتی

۳ـمنابع عمومی

۴ـسفرنامه‌ها

۵ـگزارشها و مقالاتی که در مجله‌های علمی،فرهنگی و یا ادبی به چاپ می‌رسند.

۶ـ منابع تحقیقی معتبر

برای اوضاع سیاسی،اجتماعی و فرهنگی جلایریان منابع و مآخذ دست اول و اصلی به میزان وسیع چه از لحاظ‌کمّیت و چه از لحاظ‌کیفّیت وجود دارد. از طرفی،این منابع از لحاظ ترتیب زمانی شناخت وقایع تاریخی،وسعت زمانی زیادی را در برمی‌گیرند.

در بررسی تاریخ مغولان،دو کتاب از نظر استفاده از لحاظ منابع،اسناد،آمار و گزارشهای معتبر در صدر سایر منابع قرار دارند.یکی کتاب تاریخ جهانگشای جوینی می‌باشد که وقایع ابتدایی حرکتهای مغولان را تا سال ۶۵۵ ه.ق گزارش داده است. و دیگری کتاب جامع التواریخ تألیف خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی وزیر مقتدر و با تدبیر غازان است.

منبع اخیر به جهت اینکه به ذکراحوال طوایف مختلف ترک و مغول و فعالیتها و اقدامات قبل و بعد از ورود به ایران می‌پردازد بسیار حائز اهمیت است.شناسایی اوضاع سیاسی و ایلی قوم جلایر در مغولستان و نحوه ورود آنها به دستجات برجسته نظامی که تحت‌فرمان چنگیزخان در حال تشکّل بودند و سرانجام چگونگی ورود آنها به ایران در معیّت سرداران بزرگ‌مغول،همگی

در این منبع معتبر مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است.این وزیر برجسته به جهت دسترسی به‌منابع معتبر دیوانی و مالیاتی و نیز مشاهده،اسناد و گزارشهای معتبر دست اول مغولی که از سوی دربار مغولان در دسترس او قرار گرفت،اثر خود را از اعتبار و اهمیت ویژه‌ای برخوردار کرده است.

۲.تاریخ وصاف:

تألیف فضل اللّه‌بن عبدالله شیرازی معروف به :

وصاف الحضره میباشد.در حقیقت میتوان این کتاب راذیل تاریخ جهانگشای جوینی دانست.زیرا وقایع را از جایی که جوینی به پایان می‌رساند،شروع کرده و فتح بغداد راآغاز کار خود قرار می‌دهد،و وقایع را تا سال ۷۲۸ ه.ق یعنی اواخر سلطنت ابوسعید بهادرخان ادامه میدهد.بنابراین،این کتاب از جمله منابعی است که برای بررسی اوضاع سیاسی اواخر عهد مغول بویژه پایان حکومت ایلخان ابوسعید و نگاهی به فعالیتهای امرای مقتدر چوپانی و جلایری که خود مقدمه‌ای بوده برای شروع کشمکشهای سیاسی پس از انقراض ایلخانان،بسیار حائز اهمیت میباشد این نویسنده را باید از نویسندگان پایانی عهد مغول دانست که تلاش کرده

با نگارش کتاب خود به نثر بسیار سنگین و مصنوع و متکلف،سبک نثر یک قرن پیش را زنده نگاه داشته و ترقی آن را با ترقی و صعود شعر عرفانی همراه گرداند.

۳.نزهة القلوب:

تألیف حمدالله بن ابی‌بکربن‌محمدبن نصر مستوفی قزوینی میباشد.این کتاب از کتب نادر و گرانبها در جغرافیاست که در سال ۷۴۰ ه.ق و به زبان فارسی تألیف شد.بنابراین،در شناساندن شهرهای آذربایجان و عراق عرب که از این تاریخ به بعد تحت سلطهٔ جلایریان قرار گرفتند،بسیار حائز اهمیت است.

مستوفی در معرفی هر یک از شهرها موقعیت جغرافیایی،ویژگیهای اقلیمی وتاریخی و توابع،میزان مالیات و محصولات آن را برشمرده است و تصویری مختصر از ویژگیهای بازارها و

راهها و وضعیت تجارت آن به دست داده است.

از آنجایی که تا این زمان کتاب جغرافیایی معتبری دربارهٔ شهرهای ایران به زبان فارسی نوشته نشده بود،از حمدالله مستوفی خواسته شد که این کمبود و خلأ را پر کند.به این جهت او دست به تألیف این کتاب زد.

قسمت جغرافیایی آن در سال ۱۹۱۵ میلادی توسط خاورشناس مشهور "لسترنج" از روی نسخهٔ چاپ بمبئی و برخی نسخ دیگر به چاپ رسید،و محمد دبیر سیاقی با اساس قرار دادن نسخه لسترنج ،به تصحیح تمامی اثر همت گماشت.

این کتاب ده سال پس از تألیف تاریخ گزیده تألیف گردید.

۴.دستور الکتاب فی تعیین المراتب:

مؤلف این کتاب محمدبن هندوشاه‌نخجوانی در اواخر عهد ایلخانان و بویژه دورهٔ ابوسعید و وزیرش خواجه غیاث الدین محمد مأمور امور مالی برخی از نواحی شد.خدمت در دیوان مالی و بصیرت به اوضاع اسفناک اجتماعی و نابسامانی اوضاع اقتصاد روستایی و شهری و بی‌عدالتیهای دولتی،و سرانجام دسترسی او به معتبرترین اسناد و مدارک دولتی موجب شد که فرمان خواجه غیاث الدین را پذیرفته وکتاب مشهور خود را در فنّ انشاء،وظایف منشیان،کارمندان اداری،عمّال دولتی،محصّلان مالیاتی،وظایف سلاطین،خواتین،نامه‌ها و مراسلات سیاسی آنها به نگارش در آورد،اما به واسطهٔ اوضاع نابسامان سیاسی تألیف آن به تأخیر افتاد و سرانجام تألیف آن بین سالهای ۷۵۹ ه.ق یعنی تسلط سلطان اویس جلایر بر تبریز و ۷۷۷ ه.ق به پایان رسید و به علت اقامت در دربار جلایریان آن را به سلطان اویس اتحاف کرد.

این کتاب دارای یک مقدمه،دو قسم و یک نتیجه است .

قسم اول شامل مراسلات و نامه‌های سلاطین و خواتین،وزرأ،سادات،قضاة و ... می‌باشد.

و قسم دوم دراحکام دیوانی و تفویض اعمال می‌باشد.

۵.ذیل جامع التواریخ رشیدی:

شهاب الدین عبدالله بن لطف الله بن عبدالرشید معروف به "حافظ ابرو" ازآنجایی‌که خواجه رشیدالدین فضل‌الله به کتاب خود خاتمه داد،تألیف این کتاب را شروع کرد.بنابراین،مطالب تاریخی کتاب او از سلطنت الجایتو آغاز میشود و پادشاهی ابوسعید،پادشاهی ارپاخان،امیرشیخ حسن کوچک،پادشاهی ساتی بیگ،جهان تیمورخان،سلیمان خان،شیخ اویس و نیز پادشاهی سلطان‌حسین،سلطان احمد و آخر حکومت جلایری را در بر می‌گیرد.

این کتاب شامل ۷ قسمت می‌باشد:

الف: از سلطنت اولجایتو به بعد.

ب:تاریخ آل مظفر.

ج:تاریخ ملوک کرت.

د:پادشاهی طغا تیمور و امیر ولی بن شیخ علی هندو

ه:تاریخ سربداریه

و:ذیل سفرنامه نظام الدین شامی که وقایع را از ۸۰۶ ه.ق به بعد دنبال کرد.

ز:تاریخ شاهرخ میرزا که به درخواست همین پادشاه تیموری نوشته شد.

حافظ ابرو نویسنده‌ای ماهر و چیره‌دست،و به زبانهای عربی و ترکی مسلط بود،و برخی از منابع معتقدند که او شاعر نیز بوده است و بر در قلعه جدیدی که در هرات پایتخت شاهرخ تیموری ساخته شده بود،قصیده‌ای سرود که بر سردر آن نگاشته شد.

۷.منتخب التواریخ:

تألیف معین الدین نطنزی. در این کتاب که تاریخی عمومی باشد،وقایع عمومی عالم از هبوط آدم تا مرگ تیمور یعنی سال ۸۰۷ ه.ق به طور خلاصه به رشتهٔ تحریر درآورده است.مؤلف در تألیف بسیاری از وقایع،خود را به آنها نزدیک میداند،یعنی وقایع بین قرون ۷ و ۹ ه.ق در تألیف این دسته از وقایع از جامع‌التواریخ خواجه رشید الدین و یا از منابعی که او استفاده کرده،بهره برده است.این کتاب در دی ماه ۱۳۳۶ در چاپخانهٔ حیدری تهران به چاپ رسیده است.

۸.مطلع السعدین و مجمع البحرین:

کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی به سال ۸۱۶ ه.ق در هرات متولد شد.اما معروف به سمرقندی بوده،زیرا سمرقند موطن پدرش جلال الدین اسحاق بود. وی در سمرقند به سپاه شاهرخ پیوست و در ۲۰ سالگی پس از مرگ پدر رساله‌ای در صرف و نحو به شاهرخ اتحاف کرد و مورد توجه او قرارگرفت.او در خدمت چند تن از شاهزادگان تیموری زندگی کرد که آخرین ایشان امیر ابوسعید تیموری بود و سپس مدتی عزلت گزید و سرانجام در سال ۸۸۷ ه.ق در هرات وفات یافت.

همانطورکه از نام این کتاب پیداست،وقایع میان حکومت ابوسعید مغول و ابوسعید تیموری را به نگارش درآورده است.یعنی از تولد ابوسعید مغول در سال ۷۰۴ ه.ق تا وفات نواده تیمور ابوسعید در ۷۷۳ ه.ق و برخی از سالهای جلوس سلطان حسین بایقرا.که در دو جلد تألیف شده‌است.جلد اول تا مرگ تیمور بسال ۸۰۷ و جلد دوم پس از آن تا وقایع سالهای ۸۷۴ و ۸۷۵ ه.ق.جلد اول که در این رساله مورد استفاده بیشتری قرارگرفته،بیشتر اقتباسی است از ذیل جامع التواریخ رشیدی، اثرحافظ ابرو.

کتاب به نثر ساده و روان نوشته شده،و براحتی قابل درک و فهم است.این کتاب به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی در سال ۱۳۵۳ توسط انتشارات طهوری در تهران به چاپ رسیده است.

۹.سفرنامهٔ ابن بطوطه:

شرف الدین ابو عبدالله محمدبن عبدالله از مردم بندر طنجه در مغرب الاقصی که در سال ۷۲۵ ه.ق در اواخر عهد ابوسعید خان و دورهٔ تجزیه ممالک ایلخانی مسافرت خود را به شرق و سرزمین‌های مغول آغازکرد و پس از بیست و هشت سال مسافرت در سال ۷۵۳ ه.ق به مسافرت خود پایان داد،و سفرنامه‌ای از خود به یادگار گذاشت.

وی به نقاط معروف و آباد آن زمان آسیا از چین و هندوستان گرفته تا آسیای صغیر و دشت قبچاق سفرکرده است.در مدت مسافرت خود دوبار به ایران آمده که دومین بار آن در حدود ۷۴۰ ه.ق مقارن با شروع سلطنت جلایریان است.

وی گرچه مردی دانشمند نبوده و از جهت تحقیق و وارسی قدرت تحلیل و بررسی همچون جغرافی‌دان بزرگ قبل از دورهٔ استیلای مغول را ندارد،اما از آنجایی که بسیاری از مناطق،شهرها و روستاها را دیده و ویژگی‌های آنها را برشمرده و نیز وقایع مهمی را به چشم دیده اثر او حائز اهمیت است.

کتاب در اصل به زبان عربی بوده که در سال ۱۳۳۷ در تهران توسط محمد علی موحد به فارسی ترجمه گردیده است.

• أ.ظفرنامه:

مولانا شرف الدین علی یزدی کتاب خود را به شیوه قدیم سبک جهانگشای جوینی نوشته است.

این کتاب که در ۸۲۵ ه.ق به دستور ابراهیم میرزا تألیف گردیده است،با استفاده از اسناد و مدارکی نوشته شده که مربوط به زمان جنگهای امیر تیمور است و توسط افراد آگاه و مطلعی که در التزام و رکاب وی بوده‌اند،تدوین شده است.

نسخ کامل این کتاب علاوه بر تاریخ تیمور شامل تاریخ شاهرخ و ابراهیم میرزا نیز می‌باشد.

ملک الشعرای بهار درباره شرف الدین یزدی میگوید:

"....در عهد تیموری شرف الدین یزدی را باید احیاگر نثر فنی شمرد و شاید از برکت او بود که بار دیگر سبک قدیم روی کار آمد.ظفرنامه مرجع غالب تواریخی است که بعد از او در ایران نوشته شده.مانند روضة‌الصفا وحبیب السیرو...و غالب عبارات ظفرنامه را با حذف و اصلاحی نقل کرده‌اند.در دوره صفویه ظفرنامه اسباب دست منشیان و مترسلان بوده و همه از این کتاب تقلید می‌کردند و تا دیری ظفرنامه سرمشق اهل فضل بود ..."[1] این کتاب به اهتمام محمد عباسی در تهران به چاپ رسیده است.

۱- ملک الشعرای بهار، سبک شناسی، ۱۳۳۷، امیر کبیر، ج ۳، ص ۵-۱۹۴.

۱۱.سفرنامه روی گنزالس دوگلاویخو

در سال ۸۰۶ ه.ق برابر ۱۴۰۳ میلادی یک پادشاه مسیحی اسپانیایی به نام هانری سوم فرمانروای کاستیل ولئون،سه هیأت سفارت را با درودها و پیشکشهای فراوان به دربار تیمور فرستاد.این هیأت را شخصی به نام "دو گلایخو" رهبری میکرد.بنابراین،آغاز نگارش سفرنامه وی را می‌توان از همین تاریخ دانست.او در طی این سفر بویژه به منطقه آذربایجان مسافرت کرده و لذا از اوضاع اجتماعی،شهرها،روستاها،بازارها و محصولات این منطقه در عصر حکومت سلطان احمد جلایر گزارشهای مفیدی به دست می‌دهد.

این کتاب در سال ۱۳۳۷ در تهران توسط مسعود رجب‌نیا به فارسی ترجمه شده است.

۱۲.روضة الصفا:

تألیف یکی از مورخان فارسی زبان قرن ۹ ه.ق "میر محمدبن سیّد برهان الدین خاوند شاه‌بن کمال الدین محمود" مشهور به میر خواند می‌باشد. وی ابتدای زندگی را در بخارا گذرانده و در این مدت به تحصیلات مقدماتی و تکمیلی پرداخته و سپس به مطالعه و تحقیق مداوم پرداخته است.

نام کامل کتاب "روضة الصفا فی سیرة الانبیأ والملوک و الخلفأ" است.که در ۷ مجلد نوشته شده است.

شش مجلد نخستین آن توسط خود مؤلف ومجلد هفتم توسط نوه دختری‌اش خواندمیر تألیف شده است.مجلدات ۴ و ۵ آن در احوال مغول و سلسله‌های معاصر آنها در ایران می‌باشد که در نگارش این رساله ،از آنها استفاده شده است.مؤلف در نگارش کتاب خود عیناً از جامع التواریخ و تاریخ وصاف که پس از آن تألیف شده،و بعد از وقایع ۷۰۰ ه.ق از کتاب نویسنده معروف حافظ ابرو استفاده کرده است.حتی در مواردی تعبیر و تفسیر روایات نیز از آنها گرفته شده است.

«روضة الصفا» در سال ۱۲۷۴ و ۱۳۳۹ در تهران چاپ و منتشر شده است.

۱۳.حبیب السیر:

تالیف غیاث الدین بن همام الدین،معروف به خواند میر تاریخ عمومی از ابتدای خلقت تا سال ۹۳۰

ه.ق می‌باشد.این کتاب بنا به خواسته و تشویق امیر علیشیر نوایی تألیف گردید .پس از مرگ این وزیر،خواند میر از ادامه تألیف آن دست برداشت، ما پس از چندی به تشویق یکی از بزرگان هرات موفق به اتمام آن شد.تألیف آن در ۳ مجلد انجام شد و در تهران سال ۱۲۷۱ ه.ق چاپ و نیز پس از آن چند بار تجدید چاپ شد.

۱۴.عجایب المقدور فی اخبار تیمور

قاضی القضات شهاب الدین ابو محمد احمد بن محمّد بن عبدالله دمشقی معروف به ابن عربشاه> کتاب عجایب‌المقدور را در سال ۸۴۰ ه.ق و به زبان عربی نوشت .بنابر آنچه که در رسم نثر نویسی آن زمان معمول بود از جمله پردازی و استعارات و تشبیهات دریغ نکرد.باوجود این،خود در صفحه آخر کتاب با بیانی بدیع و کلامی بلیغ از انحطاط سطح ادب و کوتاهی فهم عامه شکایت کرده است و <پستی ذوق ابنأ زمان> را موجب <تنزل خویش در مقام فائق ادب> دانسته است .به‌همین جهت تلاش کرده است که حوادث را به زبان قابل درک و فهم عامه بیان دارد.

این کتاب توسط محمد علی نجاتی به زبان فارسی تحت عنوان"زندگانی شگفت‌آورتیمور" ترجمه شد و در سال ۱۳۳۹ در تهران چاپ و منتشر شد.

درنهایت از آنجایی که موضوع کتاب شرح زندگانی تیمور بوده است و دوره آغازین جنگهای تیمور با دوره سلطنت سلطان احمد جلایری و پس از آن برابر بوده است،و نیز به سبب شرکت مؤلف در لشکرکشیهای تیمور و دیدن عینی وقایع و یا آوردن اخبار از افراد موثق،کتاب دارای اعتبار و اهمیت ویژه‌ای در مورد دورهٔ پایانی حکومت جلایری میباشد.

۱۵.تذکرة الشعرا:

اثر دولتشاه بن علاءالدولهٔ سمرقندی.از کتابهای بسیار معروف است که همواره مورد توجه بوده است.>[1]

۱- به نقل از «مجمع الفصحای هدایت.»

کتاب محتوی ترجمه زندگی و شرح حال و شعر شاعران و خلاصه‌ای از تاریخ پادشاهان است.این تذکره مشتمل است بر مقدمه،۷ طبقه و خاتمه.کتاب در پایان سدهٔ نهم در سال ۸۹۲ ه.ق و به نام وزیر معروف امیر علیشیر نوایی تألیف گردیده است.

متن این کتاب از اشتباه و خطا و لغزش دورنیست، و این امر باید مورد نظر محققان و پژوهندگان قرار گیرد.این کتاب چند بار تجدید چاپ شده است.

۱۶.لب لتواریخ:

تألیف یحیی بن عبد اللطیف الحسینی القزوینی.این کتاب مشتمل بر ۳ قسمت است:

قسم اول: بیان حال پیامبر اکرم(ص) و ائمهٔ هدی.

قسم دوم: پادشاهانی که قبل از اسلام بوده‌اند مانند پیشدادیان و کیانیان و .... .

قسم سوم: که خود به چند باب تقسیم می‌شود و باب سوم آن در ذکر ملوک طوایف که بعد از سلاطین مغول در ایران حکومت کرده‌اند،یعنی مختص به تاریخ زمان فترت بین دوره مغول و تیموری.این باب خود به ۵ فصل تقسیم شده که فصل دوم آن در ذکر تاریخ ایلکانیان می‌باشد.

کتاب بنا به خواسته و به نام ابوالفتح میرزا شاهزاده صفوی تدوین گردید و در آن مختصری از تاریخ عمومی از ابتدای خلقت تا سال ۹۴۸ ه.ق را به نگارش درآورده است و تألیف آن نیز در همین فصل به پایان رسیده است.

این اثر در بهمن ماه سال ۱۳۱۴ توسط انتشارات موسسه خاور منتشر گردیده است.

۱۷.تذکرة الخطاطین (امتحان الفضلاء):

تألیف میرزا سنگلاخ،در این کتاب شرح حال و زندگی عده‌ای از خطاطان مشهور وخوشنویسان صاحب نام ایران به تفصیل آمده است.شرح حال برخی از نویسندگان مشهور عصر جلایری نیزبیان شده و برای محققان بخش فرهنگی و هنری تاریخ میانی مغول و تیموری این بخش بسیار حائز اهمیت‌است.مؤلف در مقدمهٔ کتاب خود این گونه بیان می‌کند :

"...بر مطالعه‌کنندگان این کتاب مستطاب با فرّ و تاب،که سفینه ایست پر از درّ یتیم،و مام ایّام از

زادن مانند و همانند آنها عقیم،ازکافه اکابر و قاطبه افاضل که غواصان دریای تحقیق و مستخرجان جواهر تحدیق‌اند مخبی و مخفی‌نماناد ارکان و بنیان سالمة المبانی بیت خطاطیرا،۴ عماد و عمیدند که مر ایشان را در اقلیم خطاطی همانندی نیست.

در خط ثلث شهنشاه سلطان بایسنقر میرزا،در خط نسختعلیق میر عماد،در نسخ میرزا احمد تبریزی و در شکسته درویش عبد المجید...".

و سرانجام مؤلف در پایان کتاب اشاره می‌کند که «...کتاب به خط میرزا محمد شفیع خوشنویس و در مطبع آقا محمد رضا سمت طبع و ترسیم یافت بتاریخ جمادی الثانی سال ۱۲۹۵ واق ...».

فصل اول: وقایع سیاسی ایران در عصر جلایری

وقایع سیاسی ایران در عصر جلایریان

به دنبال آشکار شدن کوچکترین نشانه‌های ضعف و سستی در دورهٔ پایانی حکومت ایلخانی،شماری از امرای قدرت طلب و سرکش که مدتها در انتظار ایجاد چنین موقعیتی بودند،از اطاعت حکومت مرکزی سر بر تافته و علم طغیان و نافرمانی برافراشتند.از طرفی دیگر باید اذعان داشت که حکومت ایلخانی از ابتدای فعالیت سیاسی خود در زمان هولاکو،امرا و سرکردگان ایلات بزرگ ترک و مغول را زیر دست خود پرورانده بود که هر یک از آنها به عنوان امیرانی چاکر و مطیع در حال چرخاندن دستگاه سیاسی حکومت بودند.از جمله سرداران بزرگ نظامی و گاهی نیز سیاسی جلایری و چوپانی.این دسته از امرای نظامی،بویژه در اواخر حکومت ایلخانی و در عصر حکومت ابوسعید ایلخان شایستگی و وفاداری خود را به اثبات رساندند و در سرکوب آن دسته از امرای یاغی و شرور که از ضعف و سستی حکومت استفاده کرده و به یاغیگری می‌پرداختند،بسیار کوشا و موفق بودند،نمونه‌ای از این وفاداری به ایلخان را در شورش شاهزاده یساوور و فرستادن امیری قدرتمند چون امیر حسین گورکانی به قصد سرکوب او،و در نهایت همراه شدن شخص ایلخان ابوسعید در این نبرد با او را می‌توان ذکر کرد.

با مرگ ایلخان ابوسعید بهادرخان در سال ۷۳۶ ه.ق،تمامی این معادلات سیاسی بر هم خورد.و از آن پس به علت فقدان یک پادشاه قدرتمند در رأس دستگاه سیاسی ایلخانان،هر یک از امرای قدرتمند سیاسی تلاش می‌کردند که فرد مورد نظر را به ایلخانی بنشانند. همین انگیزه موجب ایجاد آشوب و بلوای شدید سیاسی در ایران شد و امرای هر منطقه از ایران را برای به دست آوردن قدرت به جان هم انداخت.

همانطورکه در سطور پیش گفته شد امرای جلایری جزو آن دسته از امیرانی بودند که در دوران تمرکز واقتدار سلسلهٔ ایلخانی مراتب وفاداری و شایستگی خود را به شخص ایلخان به اثبات رساندند.اما با شروع دوران آشوبهای سیاسی پس از مرگ ابوسعید،همین امرای جلایری تبدیل به امیرانی قدرت طلب و مبارزه‌جو جهت ستاندن قدرت از دست رقبای نظامی و سیاسی خود گشتند.